

## مسائل تاریخی زبان فارسی

ابوالفضل خطیبی

مسائل تاریخی زبان فارسی، علی اشرف صادقی، سخن، تهران ۱۳۸۰، ۳۰۲ صفحه.  
این کتاب مجموعه مقالات نویسنده است در حوزه مسائل تاریخی زبان فارسی که طی سی سال در مجلات و نشریات گوناگون به چاپ رسیده است. چنان که در یادداشت مؤلف خاطر نشان شده، بعضی از مطالب، بر اثر مطالعات بعدی، تغییر کرده و درباره بعضی دیگر یادداشت‌های تکمیلی فراهم شده و یکی از مقالات («تحول خوشه صامت آغازی») بازنگاری شده است.  
مجموعه مشتمل است بر ۲۱ مقاله که ذیل چهار عنوان مسائل آوایی، دستوری، لغوی و متن‌شناسی مرتب شده است.

### ۱. مسائل آوایی

□ تحول خوشه صامت آغازی - در زبان‌های قدیم و میانه ایرانی، بسیاری از کلمات، مانند fradāg و draxt، با دو صامت آغازی شروع می‌شده‌اند ولی در زبان فارسی دری خوشه آغازی از همان آغاز تحول یافته و به کمک مصوتی شکسته شده است. در این مقاله نخست صورت‌های تحول خوشه صامت آغازی و سپس تاریخ این تحول بررسی شده است. صادقی، بر اساس قراینی، حدس می‌زند که، احتمالاً، در اواخر دوره ساسانی خوشه صامت آغازی دیگر وجود نداشته است.  
□ التقای مصوت‌ها و مسئله صامت‌های میانجی - صامت میانجی به صامتی گفته می‌شود که

در روی زنجیر گفتار برای جدا کردن دو مصوت به کار می‌رود. برخورد دو مصوت به این صورت، در اصطلاح، التقای مصوت‌ها نامیده می‌شود. در این مقاله، پس از نقل و نقد آراء برخی از زبان‌شناسان در این باره دو دسته از صامت‌های میانجی بررسی شده است: (۱) آنهایی که حضورشان به شرایط آوایی کلام بستگی دارد؛ (۲) آنهایی که به مقتضای شرایط صرفی- آوایی افزوده شده‌اند.

□ یک قاعده آوایی - یکی از اشکالات بزرگ خط عربی- فارسی وجود دندانه‌ها و نقطه‌های زیاد آن است. عده‌ای از کاتبان برای صرفه‌جویی در گذاشتن نقطه امساک می‌کردند یا کلمات را با حداقل نقطه می‌نوشتند. نویسنده، در این مقاله، نشان داده است که دسته‌ای از کلمات، در متون و فرهنگ‌ها، با چند املا آمده که نباید یکی از ضبط‌ها را درست و بقیه را مصحّف خواند. این دسته شامل کلماتی است که دارای دو ضبط «ی» میانی و «ن» میانی‌اند؛ مانند فریجاب/ فرنجاب (شبنم)، کالیجار/ کالنجار (کنیه امیران دیلمی)، پیچه/ پنچه، پنجه (طره، زلف). به نظر نویسنده، شکل اصلی این کلمات صورتی است دارای مصوت /ī/ (یی) و صورتی که دارای صامت /n/ (ن) است از این صورت اصلی مشتق شده است.

□ عوض شدن جای تکیه در بعضی از کلمات فارسی - به نظر نویسنده، حافظ، در بیت شیوه حور و پری گر چه لطیف است ولی خوبی آن است و لطافت که فلانی دارد و بیت‌های دیگر، به پیروی از زبان عصر خود، کلمه فلانی را با یای نکره به کار برده است. اما امروز این کلمه با یای تکیه‌دار به کار برده می‌شود چنان که گویی یای نسبت است. در ادامه مقاله، این تحول در چند گروه دیگر نیز که همگی با یای نکره همراه‌اند، مانند دیگری، حالی به حالی (شدن)، صبحی، عصری، خیلی، بررسی شده است.

□ تبدیل آن و آم به اون و اوم در فارسی گفتاری و سابقه تاریخی آن - نویسنده، نخست، چکیده مقاله‌ای از مارگارت کان و جرد برنستاین را در باب این موضوع نقل کرده و به ارزیابی آنها پرداخته است. سپس، با استناد به شواهدی از متون کهن، نشان داده است که تبدیل un به ân به un تبدیلی است بسیار قدیمی که سابقه آن به دوران پیش از اسلام و زبان پهلوی می‌رسد.

□ تحول پسوند حاصل مصدر از پهلوی به فارسی - پسوندی که در کلماتی چون پشیمانی، زندگی دیده می‌شود، در تداول دست‌نویسان ایرانی، پسوند حاصل مصدر نامیده

می‌شود. این پسوند، در زبان پهلوی (فارسی میانه)، *-th* تلفظ می‌شده؛ اما، در فارسی، صامت آخر آن افتاده و به *-t* (با املا *-ی*) بدل شده است. تقریباً، در همه متون فارسی شناخته شده، این پسوند با همین ضبط دیده می‌شود. ولی، در این مقاله، با عرضه شواهدی از متون کهن فارسی و عربی نشان داده شده است که صورت *-th* هنوز تا قرون پنجم و ششم در گوشه و کنار ایران وجود داشته است.

□ سپهد- سپهبد، هیربد- هیربُد، باربَد- باربُد. در این مقاله، نخست، با ارائه شواهدی از اشعار شاعران قدیم، نشان داده شده است که سه کلمه «سپهد، هیربَد و باربَد»، که امروز در گفتار فارسی‌زبانان به ضم باء تلفظ می‌شود، به فتح باء تلفظ می‌شده است. به نظر صادقی، تغییر تلفظ */a/* به */o/* (تلفظ قدیم: */u/*) در جزء دوم این کلمات ظاهراً دلیل آوایی (فونتیکی) ندارد، و به احتمال قوی، منشأ تغییر قیاسی بوده است.

### مسائل دستوری

□ تحول پسوند اسم فاعل به اسم مصدر- در زبان پهلوی، پسوند «تار/- دار» به بن ماضی ملحق می‌شده و صفت فاعلی می‌ساخته است. اما، در زبان فارسی، این پسوند، در کلماتی مانند «خواستار»، «خریدار» و «نمودار»، معنی اسم مصدری به خود گرفته است. نویسنده، پس از نقل و نقد آراء ایران‌شناسان درباره تغییر معنی اسم فاعل به اسم مصدر، نظر تازه‌ای ارائه می‌دهد. به نظر او، در زبان پهلوی، اسم فاعل‌های مختوم به *-تار/دار* می‌توانسته‌اند با پسوند *-th* ترکیب شوند و اسم معنی یا اسم مصدر بسازند. اما، در زبان فارسی، ساختن اسم فاعل به این شکل دیگر روشی زنده نبوده است و به جای این پسوند از پسوند *-anda/c* (ـنده) استفاده شده است.

□ تحول افعال بی‌قاعده زبان فارسی- در دستورهای زبان فارسی، افعالی که بن ماضی آنها با افزودن */-id/* (ـئید) به آخر بن مضارع ساخته شود (خند- خندید، پر- پرید) با قاعده خوانده شده‌اند. در مقابل، به همه افعالی که بن ماضی آنها با این قاعده ساخته نشود، بی‌قاعده گفته می‌شود. به نظر نویسنده، این تلقی از لحاظ تاریخی درست است؛ ولی، در مطالعه همزمانی، مسئله صورت دیگری به خود می‌گیرد. مثلاً، در فارسی کهنه (قرن‌های چهارم و پنجم هجری)، افعالی که ماضی آنها به «ـئید» ختم می‌شود با قاعده شمرده می‌شوند. ماضی بسیاری از افعالی که از الحاق «ـئید» به بن مضارع

ساخته نشده بود، در متون این عصر، قیاساً با -ئید ساخته شده است (آوردن ← آوردن، افتادن ← افتیدن). اما، در زبان فارسی، گرایش دیگری نیز وجود داشته است که مبتنی است بر ترکیب اسم مصدر فعل بی قاعده و همراه آوردن آن با یکی از فعل‌های کمکی، مانند کردن، نمودن، ساختن (اندوزه کردن به جای اندوختن، رنجه گشتن به جای رنجیدن). صادقی، در ادامه مقاله، در پاسخ به این سؤال که چرا چنین تحولی در افعال فارسی پیدا شده است، به تفصیل به بحث می‌پردازد.

□ درباره فعل‌های جعلی - با قاعده و قیاسی بودن افعال مختوم به -ئید و مصادر مختوم به -ئیدن موجب شده است که زبان فارسی گاه‌گاه برای مفاهیم فعلی به کمک این پسوند از اسم‌ها و صفات بعضی افعال جدید بسازد. این گونه افعال را جعلی یا صناعی نامیده‌اند. اما راه حل دومی که زبان برای گریز از استعمال افعال بی‌قاعده به آن روی آورده استفاده از افعال ترکیبی است (نگاه کردن، آشتی کردن و جز آن). به نظر نویسنده، گرایش به ساختن افعال ترکیبی از قرن‌های اولیه بعد از اسلام گرایش مسلط زبان فارسی بوده است و سابقه این گرایش باید به ادوار پیش از اسلام باز گردد.

□ باز- باز، باز آن‌که، چند- چند- در میان محققان چند دهه اخیر، عده‌ای، از جمله عباس اقبال، فروزانفر، مینوی، کلمه «باز» را با نشانه اضافه صحیح می‌دانند و عده‌ای دیگر (ملک الشعرای بهار، ناصح و لازار) بدون کسره. نویسنده، با استناد به شواهد متعدد از متون کهن، بر آن است که در این متون هر دو صورت به کار رفته است. وی، در توجیه این دوگانگی، بر آن است که، بی‌گمان، تلفظ اصلی باز بدون کسره بوده؛ اما، بعدها، احتمالاً به قیاس با حروف اضافه مرکب به سوی، به طرف، باز تلفظ شده است. به گفته نویسنده، چند قرینه چون است و باید مانند آن بدون کسره به کار رود و بی‌شک در اصل نیز چنین بوده است. ولی قراینی نشان می‌دهد که چند نیز مانند باز بعدها با نشانه اضافه استعمال شده است.

### ۳. مسائل لغوی

□ لغات فارسی کتاب التلخیص ابوهلال عسکری - ابوهلال عسکری از متخصصان برجسته زبان و ادبیات عربی در قرن چهارم هجری است. زبان مادری او فارسی بوده و، از این رو، ضمن شرح بعضی اسم‌های عربی، معادل فارسی آنها را نیز ذکر کرده است.

نویسنده مقاله نخست اطلاعات سودمندی درباره فارسی رایج در خوزستان (موطن ابوהלلال) به دست داده؛ سپس، لغات فارسی کتاب التلخیص ابوהלلال را در سه گروه دسته‌بندی و عرضه کرده است.

□ لغات فارسی کفایة الطب حبیش تفلیسی به همراه بررسی لغات تقویم الادویة او: حبیش تفلیسی از دانشمندان قرن ششم هجری است. نویسنده، نخست، منتخبی از لغات بخش دوم کفایة الطب او را ارائه و شرح کرده؛ سپس، به بررسی لغات تقویم الادویة او پرداخته و تصحیفات راه یافته در این کلمات را روشن ساخته است.

□ دیگر، ددیگر، و دیگر- صادقی این نظر ملک الشعراى بهار را که در شاهنامه دودیگر به ودیگر تبدیل شده محل تردید می‌داند و، با ارائه شواهدی از شاهنامه و متون دیگر، بر آن است که صورت ودیگر، در شعر و، به خصوص در شاهنامه، به ضرورت شعری اختیار شده است؛ زیرا ودیگر معادل یک بار فعولن است و به خوبی در بحر متقارب و به خصوص در آغاز مصراع‌ها می‌گنجد. صادقی درباره منشأ ددیگر و دودیگر معتقد است که تحول ددیگر پهلوی به دیگر تحولی عام بوده؛ اما، ظاهراً، در بعضی مناطق یا در بعضی گویش‌ها، این تحول دیرتر انجام گرفته و صورت‌های تحول نیافته مجدداً از این گویش‌ها وارد متون شده است.

□ باد شرطه - باد شرطه به معنی باد موافق کشتی برای خوانندگان بیشتر از راه مصرع معروف (کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز) از حافظ آشناست. نویسنده، در این مقاله، با جستجو در منابع کهن، حدس می‌زند که این کلمه در زبان فارسی، لااقل از دوره ساسانی به بعد، رایج بوده است. مؤید این حدس وجود صورتی از این کلمه (شَرْتَه = شَرْتَه گِ فارسی میانه) در گویش کُمزاری، از گویش‌های جنوبی ایران است. نویسنده درباره معنی «شَرته (شَرطه)» می‌گوید: احتمال دارد معنای باد نسبتاً ملایم که می‌تواند کشتی را به سویی به حرکت درآورد - خواه در جهت موافق و خواه در جهت مخالف - معنای دقیق‌تری برای این کلمه باشد.

□ درباره فُقاع - فُقاع نوشابه گازدار خنکی بوده که در کوزه‌های کوچک نگهداری می‌کرده‌اند و برای رفع خستگی و فرو نشاندن عطش آن را می‌نوشیدند. این مقاله، در واقع، تکمله مفصلی است بر مقاله نصرالله پورجوادی در باب همین موضوع («فقع گشودن»، نشر دانش، سال ۸، شماره ۳). در این مقاله، کلمات فارسی که برای انواع فُقاع

به کار می‌رفته‌اند از متون و فرهنگ‌ها استخراج و عرضه شده است.

□ سورآبادی، سورابانی، سوریانی - درباره نام مؤلف تفسیر فارسی مشهوری که از چند قرن پیش به تفسیر سورآبادی معروف است، در منابع، اختلاف فراوان دیده می‌شود. نویسنده مقاله کوشیده است، با در کنار هم نهادن صورت‌های متعدد این نام و با بهره‌گیری از اطلاعاتی، صورت اصلی آن را به دست دهد. به گفته او «سوران، سورین و سوریان» مذکور در منابع جغرافیایی، هر سه، تلفظ‌هایی از یک نام است و این نام به قریه یا محله‌ای در نیم فرسنگی شمال نیشابور اطلاق می‌شده است. اما درباره ضبط سورآباد، صادقی حدس می‌زند که آن بعدها و احتمالاً از قرن ششم به بعد جای صور دیگر را گرفته است.

□ جاسبی یا جاستی؟ - دهستان جاسب امروز جزء بخش دلیجان شهرستان محلات است. اما، در دوره اسلامی تا گذشته‌ای نزدیک به زمان ما، از توابع قم بوده است. این نام امروز به همین صورت یعنی با صامت پایانی b تلفظ می‌شود؛ اما مأخذ معتبر قدیم آن را به صورت جاست ضبط کرده‌اند. نویسنده، با استناد به متون، حدس می‌زند که تغییر جاست به جاسب در فاصله قرن‌های هشتم و نهم یا اندکی قبل از قرن هشتم و بر اساس قیاس با کلماتی مانند ار جاسب، جاماسب و جز آن صورت گرفته باشد.

□ اجاره نامچه، قباله نامچه، قصبچه... - در فرهنگ معین، چ در «اجاره نامچه» و در لغت‌نامه دهخدا، همین حرف در «قصبچه»، ادات تصغیر دانسته شده است. اما، به نظر صادقی، معنی این کلمات، در تداول، به هیچ وجه با صورت‌های اجاره‌نامه و قباله‌نامه و قصبه متفاوت نیست و هیچ فارسی‌زبانی از آنها معنی تصغیر اراده نمی‌کند. به گفته صادقی چه در این سه کلمه و در روزنامه‌چه از یک منشأ است و روزنامه‌چه تصرفی است در روزنامه‌چه (با ج عربی) که خود معرب روزنامه‌گی پهلوی است.

#### ۴. مسائل متن‌شناسی

□ زبان تفسیر قرآن پاک - مؤلف تفسیر قرآن پاک معلوم نیست. اما، صادقی، بر اساس خصوصیات زبانی کتاب، آن را به قرن پنجم و احتمالاً به نیمه دوم آن متعلق می‌داند. در این مقاله، خصوصیات زبانی کتاب از نظر واج‌شناسی و صرف و نحو بررسی شده است.

□ ام‌الکتاب و زبان آن - ام‌الکتاب یکی از کتاب‌های مقدس و سرّی اسماعیلیان منطقه جیحون علیا در آسیای مرکزی است که به زبان فارسی نوشته شده است. نویسنده، در آغاز مقاله، چکیده‌ای از تحقیقات پیشین درباره این کتاب را می‌آورد. سپس، با تجربه و تحلیل زبان کتاب و مقایسه آن با متون دیگر فارسی، نتیجه می‌گیرد که اصل کتاب به عربی بوده و بی‌شک به فارسی قدیم (زبان اواخر قرن پنجم و قرون ششم و هفتم) نوشته شده است. نویسنده، پس از ارائه شرح مفصلی از ویژگی‌های آوایی، دستوری و واژگانی متن، خصوصیات زبانی آن را شرح می‌دهد و بر اساس ویژگی‌های گویشی کتاب حدس می‌زند که این متن در قلمرو «لهجه‌های مرکزی» و منطقه فهله قدیم یا عراق عجم بعدی و یا احتمالاً در کناره دریای خزر نگاشته شده است.

در پایان، دو کمبود در این مجموعه به نظر می‌رسد: نخست فهرست راهنمایی شامل واژه‌ها و اجزای دستوری که درباره آنها بحث شده است، دیگر عنوان و شناسنامه کتاب به انگلیسی. سرانجام، باید اظهار داشت که، به رغم وجود انبوه واژگان نادر و ثقیل و حرف‌نگاری‌ها و آوانگاری‌ها در متن کتاب، خطاهای مطبعی آن بسیار اندک است.

□